

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.Ketab.ir

سوارنژاد، عبدالرحیم، ۱۳۳۸ -

مکتب مسجد: با یاد و خاطره دانش آموز شهید علی اصغر عشرتی / عبدالرحیم سوارنژاد. -

قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۸.

۱۲۰ ص.: مصور، نمونه. - (مؤسسه بوستان کتاب؛ ۲۸۹۱) (تاریخ؛ ۴۳۷). زندگی نامه و

خاطرات؛ (۸۲)

ISBN 978-964-09-2105-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. عشرتی، علی اصغر، ۱۳۵۱-۱۳۶۵. ۲. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -

شهیدان. ۳. شاکردان - ایران. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان

کتاب. ب. عنوان: با یاد و خاطره دانش آموز شهید علی اصغر عشرتی. ج. عنوان.

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

DSR ۱۶۲۶

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۷۰۷۹۴۹

۱۳۹۸

■ موضوع: زندگی نامه و خاطرات: ۸۲ (تاریخ: ۴۳۷)

■ گروه مخاطب: عمومی

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۸۹۱

مسیسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۳۷۵

مکبر مسجد

با یاد و خاطره دانش‌آموز شهید علی اصغر عشرتی

عبدالرحیم سوارنژاد





مکبر مسجد

با یاد و خاطره دانش آموز شهید علی اصغر عشرتی

• نویسنده: عبدالرحیم سوارنژاد
• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
• نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸ • شمارگان: ۵۰۰ • بها: ۱۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر متعلق به مؤسسه بوستان کتاب است

printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفایه)، ص پ ۹۱۷/۳۷۱۸۵، تلفن: ۳۷۷۴۲۱۵۵-۷، فاکس: ۳۷۷۴۲۱۵۴، تلفن بخش: ۳۷۷۴۴۲۲۶

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۹۵۱، تلفن: ۶۶۹۶۹۸۷۸

♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲

♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۳۲۲۲۰۳۷۰

♦ فروشگاه شماره ۵ (رنجین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نیش خیابان لرم، تلفن: ۳۷۷۴۳۱۷۹

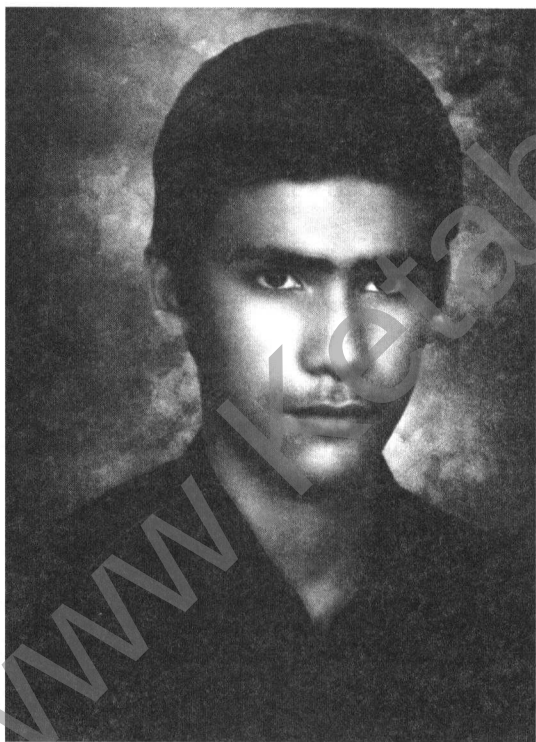
اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۰۰۰۲۱۵۵ و یا ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدردانی از همکاریانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و ویراستار: محمدرضا منصفی
- اصلاحات حروف نگاری: منا جمیل پور و حسین محمدی • صفحه‌آرا: احمد مؤتمنی
- نمونه خوانی: علی اصغر هاشمی نسب • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی منش
- مدیر گروه هنری: مسعود نجابتی • طراح جلد: محمود هدایی • اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری
- اداره چاپخانه: مجید مهدوی، ناصر منتظری و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.
- رئیس مؤسسه
- محمدباقر انصاری



دانش آموز شهید علی اصغر عسرتی

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ

خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور، جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را هم چنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش...

(صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۳)

رهبر معظم انقلاب. آیت‌الله خامنه‌ای دام ظلّه

شهید، چیز عظیم و حقیقت شگفت‌آوری است. ما چون به مشاهده شهدا عادت کرده‌ایم و گذشت‌ها و ایثارها و عظمت‌ها و وصایا و راهی که آن‌ها را به شهادت رساند، زیاد دیده‌ایم، عظمت این حقیقت نورانی و بهشتی برایمان مخفی می‌ماند؛ مثل عظمت خورشید و آفتاب که از شدت ظهور، برای کسانی که دائم در آفتاب‌اند، مخفی می‌ماند.

(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۷۶/۲/۱۷، نشانی دسترسی: khamenei.ir)

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۱۵	سخن‌آغازین
۱۷	شرح حال نیاکان
۲۵	تولد
۲۹	صدور شناسنامه
۳۵	دوره کودکی
۴۱	احترام به والدین
۴۵	ورود به مدرسه و پیروزی انقلاب
۴۹	نقش مرحوم تربتیان در زندگی شهید
۵۳	روایت مکتب‌ری
۶۵	آغاز جنگ
۷۳	اعزام به جبهه

۸۷	شهادت
۹۹	خاطره‌ای از مادر شهید
۱۰۱	تصاویر
۱۱۷	وصیت‌نامه

پیش‌گفتار

امروزه در دنیایی با هزاران رنگ و لعاب فریبنده زندگی می‌کنیم. روزگار پرفتنه‌ای که نیاز اساسی انسان، داشتن بصیرت است؛ بصیرتی که از رهنمودهای رهبر و مقتدایمان به جامعه اسلامی شکل می‌گیرد. در این میان عده‌ای به دنبال مقاصد دنیوی و بقای بر قدرت خویش‌اند و در این دنیای پر زرق و برق، شهدا را نردبانی برای پیشرفت و بقای خود ساخته‌اند.

شهید علی‌اصغر عشرتی از جنس دانش‌آموز، شهیدی بود که با سن و سال کم، این مهم (اقتدا به رهبر و توجه و عمل به فرامین ولی فقیه) را خوب درک کرده بود. ایشان با بصیرتی که داشت این موضوع را در وصیت‌نامه‌اش گوشزد نمود و راه مقدسی را که برگزید، با سفارش بر کادرسازی و تربیت نیروی انقلابی برای حراست و حفاظت از نظام، تأکید ورزید.

این معرفت الهی، ریشه در اعتقادات معصومانه کودکی‌اش داشت و وی را از سایر هم‌سالانش متمایز کرد.

مادر، خاص بودنش را در همان دوران کودکی متوجه شده بود و پدر نیز به تربیت دینی وی اهتمام بیشتری ورزید و انس بیشتر با مسجد و محراب را سرلوحه آموزه‌هایش قرار داد. وی با این‌که چهارده بهار

بیشتر از عمرش سپری نشده بود، حضورش در مسجد و انس و الفت با نماز و محراب و جماعت، هر مخاطبی را متعجب می‌کرد.

کتاب «مکبر مسجد» با قلمی شیوا توسط برادر ارجمند جناب حاج عبدالرحیم سوارنژاد به عنوان معلم و مربی وی در محیط معنوی مسجد، دست‌مایه مشاهدات و انس با شهید، بوده است. ایشان بارها بر این نکته تأکید ورزیدند که این شهید مظلوم به‌گونه‌ای مناسب به هم‌سالانش معرفی نگردیده است و همین امر عزم ایشان را بر نگارش این اثر مضاعف نمود.

از نگارنده گران‌قدر به واسطه صبر و بردباری و زحماتی که برای تدوین این اثر کشیدند و هم‌چنین امام‌جمعه محترم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای صادق امینی که با تشویق و ترغیب، زمینه‌ساز خلق این اثر شدند، کمال تقدیر و تشکر را داریم و امید است شهید والامقام که مصداق «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» است، در سرای آخرت ایشان و همه ما را مورد شفاعت قرار دهد.

پیشنهاد نگارش این اثر توسط برادرزاده شهید (با تفاوت سنی بیش از سه‌دهه با شهید)، انجام گردید. آرزوی عاقبت‌به‌خیری و ثبات قدم در مسیر شهدا و بهره‌مندی از فیوضات معنوی را برای ایشان مسئلت می‌نماییم. هم‌چنین از تمامی کارکنان فهیم و مدیریت ارجمند مؤسسه وزین بوستان کتاب که قبول زحمت نمودند و پیگیر چاپ این اثر بودند، تقدیر و سپاس ویژه داریم.

خانواده دانش‌آموز شهید علی اصغر عشرتی

مقدمه

با توکل بر خدای یگانه و سلام و صلوات بر رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

روزی که برادر عزیز جناب حجت الاسلام حاج عباس و مهندس حسین عشرتی به همراه سردار حاج کریم کریمی پور، فرمانده گردان سلمان در دوران دفاع مقدس به خانه ام تشریف آوردند، در بستر بیماری افتاده بودم و با درد، دست و پنجه نرم می کردم. ایشان پیشنهاد نوشتن زندگی نامه شهید علی اصغر عشرتی را دادند. با این پیشنهاد، یک باره به گذشته برگشتم و خود را دوباره درون شبستان مسجد جامع نمره یک مسجد سلیمان در میان نوجوانانی دیدم که برای فعالیت، دور هم جمع شده اند. احساس خوبی داشتم و جوانی ام را بازیافتم؛ شاید منتظر بودم تا به مسجد سلیمان برگردم و بنویسم از مردمی که باید در مورد آن ها بیشتر گفت و نوشت.

مردم مسجد سلیمان افزون بر حضور در خط مقدم جبهه، خانه های مسکونی خویش را نیز سنگر دفاع از وطن و انقلاب ساختند؛ فرزندان شان در جبهه ها شجاعانه می جنگیدند و خودشان در شهر در

برابر بمباران و موشک باران دشمن مقاومت کردند. این مردم ایثارگر با پایداری و حضور مؤثر در صحنه دفاع مقدس توانستند خاطره‌ها و آثار به یادماندنی از خود بر جای بگذارند.

تعصب، غیرت، روحیه سلحشوری و آزادگی و شعور سیاسی مردم مسجد سلیمان آن‌ها را یکپارچه به صحنه نبرد با دشمنان ایران و اسلام کشاند. شهدای عزیزی که نام آنان فضای شهر را معطر ساخته است از زن و مرد و جوان و پیر، از سپاهی و بسیجی و ارتشی و عشایی، سند زنده حماسه سازی این شهر مردان شجاع ایران است.

شهدای مسجد سلیمان گوهرهای درخشانده‌ای هستند که در آسمان ایران همیشه دیده می‌شوند و می‌خروشند؛ آن‌ها بزرگان و آزادگانی هستند که با دفاع جانانه حاضر نشدند توهین و تحقیر دشمن را بپذیرند و نظاره‌گر آن باشند. آن‌ها شجاعانه ایستادند و برای همیشه دشمن را سرافکنده و خوار و ذلیل از کشور خود بیرون رانده، عزت وطن را حفظ کردند و تاریخ را خواندنی‌تر از همیشه رقم زدند.

خاطره‌های ناب و باصفا و رویدادهای شنیدنی شهر مظلوم مسجد سلیمان و ایثار بچه‌های نازنینش برایم زنده شد؛ همان ستاره‌هایی که در آسمان زیبای شهر می‌درخشند و چهره‌هایی که از درون قاب بر عابران لبخند می‌زنند؛ آنانی که ماندند و سرشار از مهربانی و محبت هستند و از غم ماندن می‌سوزند و می‌سازند، ولی کم نیاورده‌اند و بر عهدشان پایدارند.

از آن جاکه خود را مدیون شهدا و خانواده ارجمندشان می‌دانستم، نوشتن زندگی‌نامه شهید علی اصغر را با کمال میل پذیرفتم و افتخار

تلقی کردم و از این اعتماد بر خود می‌بالیدم تا با نگارش زوایای زندگی شهید، لبخندهای نوجوان معصوم محله از نظرها نرود و خوبی‌ها و مهربانی‌هایش زیر ابرهای فراموشی پنهان نماند! به خدا توکل کردم و از او یاری جستیم. او نیز مانند همه امور دیگر یاری کرد و با حرکت نام و یاد شهید از بستر بیماری برخاستیم. در آغاز حرکت دریافتم که چرا خدای بزرگ به قلم قسم یاد کرده و آن را تقدیس نموده است:

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»^۱

نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.

احساس کردم باید به‌طور جدی ورود کنم، چراکه زنده‌نگه‌داشتن یاد این گوهرهای بی‌بدیل و ارزشمند مایهٔ افزونی رفاقت و استحکام صمیمیت و سلامت اجتماعی می‌شود و چون نوری فروزان، زندگی انسان‌ها را روشن و مسیر حرکت را مشخص می‌کند.

این مجموعه با حمایت، همراهی و اعتماد خانواده محترم شهید عشرتی و نیز راهنمایی‌های خردمندانه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین امینی، امام‌جمعه عزیز شهرستان مسجدسلیمان و همین‌طور پشتگرمی و ارائه اطلاعات برادر عزیز حاج‌کریم کریمی‌پور، فرمانده دلاور گردان سلمان تدوین و منتشر شد. لازم می‌دانم صمیمانه و با خشوع از آن‌ها تشکر و قدردانی نمایم و این کتاب را در نهایت تواضع و با دریایی از ارادت و ادب و احترام به خانم مشهدی‌زاده،

۱. قلم، آیه ۱.

مادر ارجمند شهید که نقش محوری در برگزاری جلسات قرآن بانوان در شهر مسجد سلیمان داشتند و چنین پاکمرد فداکاری را در دامن خویش پرورش دادند، تقدیم می‌کنم. شاید ره‌توشه‌ای باشد برای فردایی که خواهد آمد و آن روز که از حقیر سرتاپا تقصیر پرسش‌های بسیار خواهند کرد، پاسخی باشد در حد بضاعتی که داشتم و سندی باشد تا رها گردم و در این رهایی پر از آموخته مروج اندیشه‌ای شوم که از صدق می‌گفت و دل‌ها را جلا می‌داد؛ همان دل‌هایی که با نام آفریدگار یگانه آرامش می‌یابند.

کجایید ای شهیدان خدایی

بلاجویان دشت کربلایی

کجایید ای سبک‌روحان عاشق

پرنده‌تر ز مرغان هوایی

کجایید ای شهبان آسمانی

بدانسته فلک را درگشایی

التماس دعا

عبدالرحیم سوارنژاد

سخن آغازین

این روایت، شرح زندگی شهید علی اصغر عشرتی، همان پرنده سبکبالی است که خوب فهمید و زود برای پرواز بال گشود، اوج گرفت و زیبا به آسمان پر کشید و رفت تا برای همه نسل‌ها درس بزرگ و راهی روشن در جهت رستگاری باشد. چه خوب است در کلاس شهدا درس زندگی را مرور کنیم و بیاموزیم.

این سبک‌بالان که تا عرش جنون پر می‌کشند

آفتاب وصل را چون صبح، در بر می‌کشند

از دم تیغ شهادت باده‌جوی وصلت‌اند

نیل اگر گردد بلا لاجرعه نوش سر می‌کشند

هر مقام عشق را موقوف زخمی ساختند

بی‌سران در هفت شهر عاشقی سر می‌کشند

آفتاب دیگرند اینان که روز خصم را

تیره می‌سازند چون از کوه سر بر می‌کشند

عرش با فریادهایشان هم‌نوایی می‌کند

تا که از دل نعره الله‌اکبر می‌کشند

آذرخش خشم اینان آتش قهر خداست
بیشه زار بت پرستی را به آذر می کشند
فصل دیگر می گشایند از کتاب کربلا
عشق را با جوهر خون، نقش دیگر می کشند.^۱

۱. ساعد باقری.